

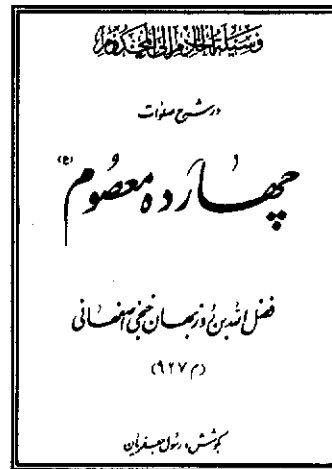
معرفیهای اجمالی

وسيلة الخادم الى المخدوم

در شرح صلوات چهارده معصوم (ع)

فضل الله بن روزبهان خنجی اصفهانی (۹۷۲م). به کوشش رسول جعفریان. (چاپ اول: قم، کتابخانه عمومی آیه الله العظمی نجفی مرعشی-ره، ۱۳۷۲). ۳۱۰ص، وزیری.

چگونگی شکل گیری عقاید و باورهای مختلف در حوزه فرهنگ و جامعه اسلامی و ریشه ها و زمینه های آنها در تاریخ اسلام از مباحث تأمل برانگیز تاریخ عقاید و مذاهب اسلامی است. پس از رحلت رسول الله-ص- و شکل گیری خلافت در مسیری جدا از آنچه آن بزرگوار رقم زده



بود یک سلسله دیگر سانیایی را در ساختار فکری، سیاسی و اعتقادی جامعه اسلامی الزامی کرد. دور ماندن علی بن ابی طالب و یاران وی، که بواقع حاملان اصلی باورهای استوار از آیین حق بودند، و چهره نمایی شخصیتها و جریانهای فکری مختلف، اندک اندک تفسیر و تحلیلهای ویژه ای از مکتب راهمسوی با حاکمیت سیاسی به وجود آورد. یکی از این جریانهای فکری «مذهب عثمانیه» است که در نیمه اول قرن اول چهره نمود و در نخستین قرون اسلامی دامن گسترده. باورداران به این دیدگاه از اساس خلافت امام علی-ع- را مشروع تلقی نمی کردند. (بحوث مع اهل السنه و السلفیه، ص ۲۴ و ۲۵؛ جغرافیای تاریخی و سیاسی شیعه در جهان اسلام، ص ۱۱۵) در برابر دیدگاه افراطی اینان که

روزگاری از گستردگی نیز برخوردار بود، کسانی بر نشر فضائل امام و سایر اهل بیت اصرار می ورزیدند. این گونه کسان در منابع متقدم رجالی اهل سنت با عبارت «قیه تشیع» یاد شده اند، و به همین دلیل غالباً از سوی رجالیان اهل سنت رد شده اند. نمونه این موضع را می توان در موارد متعددی از «میزان الاعتدال» ذهبی یافت که کسان بسیاری به دلیل نقل فضایل علی و اهل بیت-ع- متهم به تشیع شده اند.

این قتیبه، از عالمان میانه قرن سوم، در کتاب کم حجم خود به عنوان الاختلاف فی اللفظ، کسانی از اهل حدیث (و در واقع گروه عثمانی مذهب آنها) را که در برابر فضایل علی-ع- موضع انکاری شدید دارد انتقاد کرده است. در ادامه مواضع افراطی اهل حدیث، احمد بن حنبل در پذیرش فضایل علی-ع- نقطه عطفی به وجود آورد و بر جایگاه آن بزرگوار در خلافت تأکید کرد و عقیده تریع (چهارمین خلیفه بودن علی) را در میان اهل سنت استوار کرد. او در کتاب حدیثی بزرگش به نام مسند، روایات فراوانی در فضایل علی و اهل بیت-ع- که متأسفانه بسیاری از آنها در صحیحین و دیگر صحاح و سنن یافت نمی شود، نقل کرده و در کتاب فضائل الصحابة احادیث فضایل علی-ع- بویژه حدیث غدیر را با طرق متعددی گزارش کرده و بدین سان در تعدیل مذهب عثمانیه تلاش شایسته ای نمود.

پس از احمد بن حنبل، حنبله بغداد با پیشرفت روزافزون شیعه در بغداد مواجه شدند که روی کار آمدن دولت بویهی شیعی به روند آن شدت بخشید. نزاعهای دوپست و پنجاه ساله معتزله و شیعه از یکسو، و حنبله با آن از سوی دیگر، سبب شد تا اهل حدیث حنبلی مذهب در مقابل شیعه و معتزله موضع تندی بگیرند؛ تا بدان جا که عالمی بزرگ چون محمد بن جریر طبری به لحاظ نگارش کتابی در طرق حدیث غدیر مورد طعن و بی حرمتی گرفت. و با فروکش کردن این نزاعها در قرن ششم، نگارش کتابهایی درباره اهل بیت رو به گسترش نهاد و آثار تعدیل در نگاشته عالمان اهل سنت چهره نمود. از سوی دیگر عالمان با شرکت در حلقات درس و نقل حدیث آنان احادیث فضایل را گرد آوردند و نشر دادند. نمونه ای از این تلاش را در العمده ابن بطریق و الیقین سیدبن طاووس توان دید.

برآمدن سبط بن جوزی در خاندانی حنبلی و سرسخت و نگارش کتابی چون تذکرة الخواص می تواند نشانی از این تعدیل در اندیشه حنبلیان باشد. آثار رشیدالدین ابوالفضل میدی، از عالمان و مفسران اهل سنت و صاحب تفسیر گران ارج کشف الاسرار و علة الابرار، نیز در این رده است. تفسیر یاد شده آکنده است از روایات فضایل و نثر وی گاهی در تبیین فضایل شکوه و شیوایی ویژه ای پیدا می کند. (ر. ک: مقاله جلوه های تشیع در تفسیر کشف الاسرار در یادنامه علامه امینی). در قرنهای بعدی نیز این روند ادامه می یابد و آثاری گران ارج در فضایل علی و اهل بیت-ع- به خامه دانشوران اهل سنت سامان می یابد. (همین کتاب، مقدمه، ص ۲۲ به بعد)

وسيلة الخادم الی المخدوم ... فضل بن روزبهان نیز در این جریان جای دارد که کتابی خواندنی و تأمل برانگیز است. این روزبهان از عالمان قرن دهم هجری است که در حوزه های مختلف فرهنگ اسلامی، کلام، تاریخ، فقه و عرفان قلم زده است. این کتاب، چنانکه خواهیم گفت و از عنوان آن نیز روشن است، یکسره در تبیین عظمت، فضیلت و جایگاه بلند چهارده معصوم است. این کتاب به خامه مردی است که در مدتی کوتاه پس از نگارش «بطلان نهج الباطل ...» در ردّ «نهج الحق ...» علامه حلی، آن را نگاشته است. روزبهان در این کتاب، به گفته مصحح فاضل آن، «در ردیف کسانی قرار می گیرد که با گرایشات قوی شیعی تا مرز تشیع رسیده اند». (مقدمه، ص ۲۹). این اعتدال و گرایش به تشیع در آثار دیگر وی نیز نمایان است. (همان) حتی در کتاب «نهج الباطل ...» نیز او موضع منکر فضایل علی-ع- و اهل بیت-ع- را ندارد، بلکه بر عظمت و اهمیت این خاندان و فضایل آنها اشاره می کند و در ضمن فضایل حضرت فاطمه-س- شعر بلند و ارجمندی را در فضایل امامان-ع- می آورد (همان، ص ۳۱). این روزبهان در آغاز کتاب با بیانی دلپذیر از معصومان-ع- یاد می کند و آنگاه می گوید:

آن کس که زمهر چهارده محروم است
محرومی او به نزد حق معلوم است
در نزد خدا وسیله روز جزا
ما را صلوات چهارده معصوم است

او در آغاز کتاب از رنجها، گرفتاریها و دشواریهای زندگی سخن می گوید و از اندیشه توسل برای رهایی از سختیها و «دفع غوم». و در این آهنگ است که به معصومان-ع- می اندیشد و می نویسد:
اندیشه کردم که از اصحاب قبور جماعتی اختیار کنم جهت

استعانت که قبر هر یک بیت المعمور جهان آخرت و کعبه مقاصد اصحاب حاجت باشد، و جمیع طوائف امت متفق باشند در آنکه استعانت از ایشان موجب نجات از غم و سبب حصول حاجات عرب و عجم است و در این ... خلاقی میان اوکین و آخرین نباشد، پس این معنی را مقصود و محصور در چهارده معصوم پاک که قبور ایشان همچون صندوقهای افلاک، زیور خاک است دانستم و وجه توجه خود را قبله آستان ایشان ساختم و ... (ص ۵۵).

این روزبهان این توسل را در قالب درودهایی بر معصومان تنظیم می کند و در این باره می گوید:

صورت ترکیبی صلواتی مرتب که مشتمل بر شمه ای از جلالی مناقب و جزایلی مآثر و مفاخر ایشان بود، در خاطر ورود یافت. فی الحال آن را از لوح ضمیر به اعانت کلک تحریر تصویر کردم و ... (ص ۵۵).

آنگاه برخی از کسان از وی می خواهند که آن را شرح کند و اشاره های آن را به مناقب و فضایل و مسائل تاریخی باز گوید. بدین سان وی به شرح آن همت می گمارد و اثری سامان می دهد آکنده از فضایل و سرشار از مناقب چهارده معصوم-علیهم السلام.

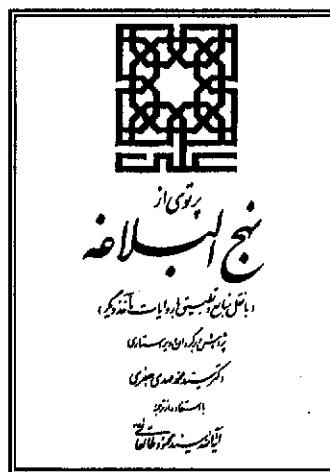
محقق محترم، کتاب را بر اساس نسخه موجود در کتابخانه آیت الله العظمی نجفی مرعشی-ره- باز نویسی و تصحیح کرده است و در پانوشتها موارد مبهم متن را توضیح داده و گاهی اشتباهات تاریخی و کلامی مؤلف را یادآوری کرده است. وی مقدمه ای نگاشته است درازدامن و سودمند. در این مقدمه به زندگانی این روزبهان اشاره کرده و سالشمار زندگی وی را آورده است. سپس آثار علمی او را گزارش کرده و چگونگی برخی از آنها را توضیح داده است. در بخش دیگر مقدمه، مآخذ شرح حال وی را در دو بخش، منابع متقدم و منابع متأخر، آورده و مآخذ تفصیلی زندگی و اندیشه او را فهرست کرده است. فصل جالب توجه و با اهمیت مقدمه، تبیین سیر شکل گیری برخی از عقاید و افکار در حوزه فرهنگ اسلامی و چگونگی ظهور و بروز آثاری نظیر کتاب این روزبهان است که وی از آن به «سنن دوازده امامی» یاد می کند.

وی سیر این بحث را از آغاز تا زمان نگارش کتاب مورد گفتگو آورده است که خواندنی است و جالب و در آغاز این معرفی از آن بهره‌برده‌ایم. از این اثر، خواننده بهره‌های فراوانی خواهد برد که بگذاریم تا خواننده خود بدان دست یابد. کتاب اندک اغلاط چاپی نیز دارد. در مثل در صفحه ۲۰، سطر ۴ «همام» درست و «همان» نادرست است و در صفحه ۴۰، س ۱۱، «اوراد» صحیح و «اولاد» غلط است و در صفحه ۱۸ (پانوش) س ۱۰ و ۱۲ «آق قویونلو» درست است. محقق محترم یادآوری کرده‌اند که پس از چاپ و نشر کتاب به نسخه‌ای دیگر در کتابخانه مرحوم آیت الله ملاعلی معصومی (آخوند همدانی) دست یافته‌اند که چاپ دوم را برای استوارسازی بیشتر متن با آن مقابله خواهند کرد.

محمدعلی مهدوی راد

پرتوی از نهج البلاغه

پژوهش و برگردان و ویراستاری سید محمد مهدی جعفری، با استفاده از ترجمه آیت الله سید محمود طالقانی. (چاپ اول: تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲). ۷۲۴ ص، وزیری.



نهج البلاغه از دیرباز، بویژه در سده اخیر، مورد عنایت دانشوران بوده و ترجمه‌ها و تفسیرهای متعددی از آن شده است؛ تا بدانجا که اگر آثار تالیف شده درباره نهج البلاغه گرد آید، خود کتابخانه‌ای شود. از ترجمه‌های متعددی که از نهج البلاغه به زبانهای گوناگون

شده، ترجمه‌های فارسی آن بیشتر است و ترجمه‌های فارسی آن نیز در پنجاه سال اخیر، بیش از همه ترجمه‌هایی است که در سده‌های گذشته شده است.

در میان ترجمه‌های فارسی نهج البلاغه که ناتمام مانده و کمتر مورد استفاده قرار گرفته، به ترجمه مرحوم آیت الله طالقانی می‌توان اشاره کرد. این ترجمه که در سال ۱۳۲۵ انجام گرفته، شامل ترجمه ۸۱ خطبه است که دو-سه بار در دوران انقلاب و یک-دو بار در سالهای پیش

از آن چاپ شده و به لحاظ کامل نبودن، چندان که باید مورد استفاده قرار نگرفته است. ترجمه آیت الله طالقانی از معدود ترجمه‌های دقیق نهج البلاغه است و این، یکی به لحاظ خبریت ایشان در ادبیات عرب است (بدان گونه که از تفسیر پرتوی از قرآن ایشان هم می‌توان یافت) و دیگر به لحاظ توجه وی به اهمیت کاری است که داشته‌اند. آیت الله طالقانی در مقدمه این ترجمه مرقوم داشته‌اند: «در ترجمه این کتاب سعی نمودیم که از ترجمه مقید تجاوز نکنیم و متن عبارات را بدون کم و زیاد به قالب زبان فارسی درآوریم... چون این کتاب پس از قرآن ملوک بزرگ اسلامی است، معارف دین پس از قرآن از آن باید گرفته شود، و اختلافات مذهبی و مسلکی مسلمانان بوسیله این کتاب باید حل شود؛ پس باید چنان ترجمه شود که اعتبار آن از دست نرود.» (پرتوی از نهج البلاغه، ص ۶۰).

اینک پس از گذشت نزدیک به پنجاه سال از ترجمه نهج البلاغه مرحوم آیت الله طالقانی، جناب آقای سید محمد مهدی جعفری - که از شیفتگان امیرالمؤمنین علی - ع - و از شاگردان برجسته مرحوم آیت الله طالقانی است - آستین همت بالا زده و به احیای این ترجمه و ادامه آن کمر بسته است.

جلد اول کتاب حاضر مشتمل است بر ترجمه ۸۱ خطبه نهج البلاغه. با انتشار این جلد، ترجمه آیت الله طالقانی به پایان رسیده و آقای جعفری وعده داده است بقیه ترجمه را خود به عهده گیرد.

متنی که برای ترجمه برگزیده شده، مطابقت شده با چهار نسخه معتبر است. مضافاً اینکه خطبه‌ها و نامه‌هایی که توسط مرحوم سیدرضی تقطیع شده، به طور کامل آورده و ترجمه شده است. همچنین برای خطبه‌ها عنوانی متناسب با آن گذاشته شده و منابع و اسناد هر خطبه نیز نشان داده شده است. افزون بر همه اینها، موضوع هر خطبه در آغاز آورده شده و تاریخ آن نیز به قرینه مطلب و یا اشاره سیدرضی و یا از راهای دیگر مشخص شده است.

بدین ترتیب، پرتوی از نهج البلاغه مشتمل است بر: ۱. ارائه متن محقق از نهج البلاغه، ۲. ترجمه نهج البلاغه، ۳. موضوع‌شناسی، ۴. عنوانگذاری خطبه‌ها و نامه‌ها، ۵. تعیین تاریخ خطبه‌ها و نامه‌ها،

مکتب حروفیه در عصر حاضر مورد توجه بسیاری از محققان شرقی و غربی و ایرانی بوده است و از دیدگاههای گوناگون به آن پرداخته اند، ولی متأسفانه بسیاری از این محققان به جای تکیه بر اصول تحقیق و توجه به زمان و مکان خاصی که باعث پیدایش نهضت حروفیه شده است، گرایش امروزی خود را اصل قرار داده اند. به نظر می رسد که پس از تحولاتی که در سالهای اخیر در فضای فکری و سیاسی ایران و جهان پدید آمده است می توان با دیدگاهی علمیتور و فارغ از برخی پیشداوریها این فرقه و جریانهای مانند آن را مورد تحلیل و بررسی قرار داد و بدیهی است که لازمه این کار این است که متون عمده و اساسی مربوط به این جنبشها به شکلی پیراسته و نزدیک به اصل در دسترس باشد.

تاکنون تصحیح علمی و انتقادی ای از دیوان فارسی نسیمی در دست نبود. در میان چند چاپ نامعتبر و ناقص دیوان نسیمی بهترین چاپ به کوشش حمید محمدزاده در باکو (۱۹۷۲) انجام گرفته که گذشته از اشکالاتی که در متن آن دیده می شود، تعداد و حجم اشعار آن نیز بسیار کمتر از چاپ انتقادی حاضر است. اغلب چاپهای دیوان نسیمی که پیش از این در ایران صورت گرفته بر اساس همین چاپ بوده است.

چاپ حاضر که در اصل رساله دوره کارشناسی ارشد مصحح بوده است و با راهنمایی و ارشاد استاد دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی تدوین گردیده بر اساس هشت نسخه خطی، که یکی از آنها نسخه ای نویافته است، تصحیح شده و در کنار این نسخ از چند نسخه خطی دیگر و نیز نسخه چاپ باکو و اشعار پراکنده نسیمی در چندین جنگ خطی و برخی آثار دیگر حروفیه استفاده شده است.

متن دیوان که شامل غزلها، قصاید و... است از آغاز تا پایان به ترتیب توالی ابیات شماره گذاری شده و هر شعر (غزل، قصیده و...) نیز شماره جداگانه ای دارد. در پایان هر شعر نخست نام اختصاری نسخه هایی که آن شعر را در برداشته اند ذکر شده و سپس تمامی اختلاف نسخه ها در ذیل همان شعر نقل شده است. مصحح در ذکر نسخه بدلها اهتمامی خاص داشته است و تمامی اختلافات را بدقت نشان داده است.

گذشته از متن تصحیح شده دیوان در ابتدای کتاب، مصحح در فصلی با عنوان سیری در زندگانی و اشعار نسیمی باختصار و با تکیه بر منابع قدیم و جدید به مکتب حروفیه و زندگی نسیمی پرداخته است و نسخه های خطی و منابع مورد استفاده را نیز معرفی کرده است. پس از این فصل، مقاله نسبتاً بلندی از دکتر رضا توفیق (محقق ترك) آورده شده

۶. ارائه متن کامل خطیه ها و نامه ها و ۷. ماخذشناسی.

خواننده از رهگذر این کتاب علاوه بر ترجمه نهج البلاغه، بهره های دیگری نیز خواهد برد. امید است جلدهای بعدی کتاب بزودی منتشر شود و خوانندگان با معارف آفتابگون و سپیده گشای امیرالمؤمنین علی-ع آشنا شوند.

عبدالمحمد نبوی

زندگی و اشعار عمادالدین نسیمی

به کوشش یدالله جلالی بندری. (تهران، نشر نی، ۱۳۷۲).

۴۳۶ ص.

خواهد نسیمی از سر زلف تو دم زدن

چندان که عمر در سر این گفت و گو کند

عمادالدین نسیمی (مقتول در حدود ۸۲۰ق) بزرگترین شاعر

حروفی است. وی خلیفه و جانشین فضل الله حروفی استرآبادی و از بزرگان این فرقه به شمار می رود. در باب سال تولد و محل ولادت او اتفاق نظر وجود ندارد. نسیمی در شهر حلب و به روزگار امیر یشبک به اتهام الحاد و زندقه محاکمه شد و به فتوای شیوخ شهر به قتل رسید و به فرمان

زندگی و اشعار عمادالدین نسیمی

به کوشش
یدالله جلالی بندری

سلطان زمان پوست او را کنند و جنازه اش روزها در ملاء عام و در منظر دید همگان آویخته بود.

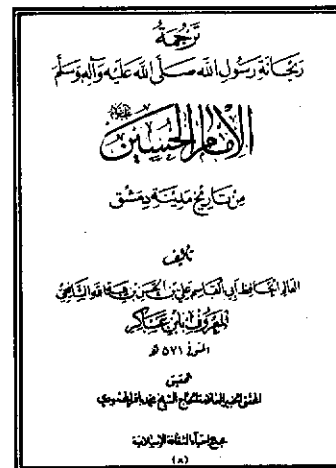
شعر نسیمی از زمان خود شاعر در میان حروفیه رایج بوده است و از همان روزگار یکی از بهترین راههای تبلیغ و رساندن پیام حروفیه همین اشعار لطیف و پرسوز بوده است. نسیمی به دوزبان فارسی و ترك شعر سروده است، ولی شعر او گذشته از ارزش ادبی آن، بیشتر از لحاظ اشتغال بر اندیشه های حروفیه حائز اهمیت است.

است. این مقاله به وسیله استاد غلامرضا سمیعی برای درج در این کتاب از فرانسه به فارسی ترجمه شده است و بخوبی خواننده را با ابعاد عمدهٔ مکتب حروفیه آشنا می‌کند. پس از متن کتاب، اشعار الحاقی نسیمی آمده است و فرهنگ لغات دیوان و چند فهرست پایان بخش کتاب است. با توجه به اینکه مصحح گرامی سالها با شعر نسیمی و آثار حروفیه مانوس و مشغول بوده است و بخوبی با زوایای مختلف ادبیات حروفی آشنایی دارد، جای آن بود که تعلیقاتی برای متن حاضر فراهم می‌آورد؛ خصوصاً که شماره گذاری ابیات نیز انجام این کار را میسر و آسان نموده است. امید است که این آرزو در چاپ بعد برآورده شود و در کنار آن به چاپ و نشر برخی دیگر از آثار و رسائل حروفیان، که برای تحقیق حاضر نیز مکرر بدانها مراجعه داشته است، کمر همت برینند.

مسعود جمفری

ترجمة الامام الحسين (ع)

ترجمة الامام الحسين عليه السلام من تاريخ مدينة دمشق
ابن عساکر. تحقیق محمد باقر محمودی. مجمع احیاء الثقافة
الاسلامیه، قم، ۱۴۱۴ق، ۷۰۴ص. وزیری.



ابوالقاسم علی بن
الحسن بن هبة الله بن عبدالله
شافعی، معروف به ابن عساکر
(۴۹۹-۵۷۱) از فقهای بزرگ
شافعی است که در تاریخ و
حدیث ید بیضا داشته است. .
هر چند که در برخی علوم
- همچون تاریخ- تفصیل زیاد
مطلوب می‌باشد اما کتابی
قریب به صد جلد در یک

موضوع خاص از تاریخ و آنان که در آن شهر بوده یا گذری بر آن داشته‌اند، حکایت از تبحر فوق‌العاده مؤلف آن می‌نماید.

یاقوت در معجم‌الادباء می‌گوید: «مؤلف این کتاب را در ۵۷۰ جزء قرار داده است و نسخهٔ جدید آن در ۸۰ جزء می‌باشد». (ج ۱۳، ص ۷۶).

ابن خلکان می‌گوید: «با استادم ابو محمد عبدالعظیم منذری - ادام‌الله به النفع- دربارهٔ کتاب تاریخ دمشق صحبت می‌کردم که یک

جلد آن را بیرون آورد و صحبت زیادی در عظمت آن مطرح نمود و گفت: گمان می‌کنم این مرد از روزی که عقل و هوش به دست آورده تصمیم به نوشتن این کتاب گرفته و شروع به جمع‌آوری حدیث برای آن نموده است. وگرنه عمر انسان کمتر از آن است که از هنگام عالم شدن بتواند چنین کتابی را جمع‌آوری نماید. « سپس ابن خلکان می‌گوید حق همین کلام است و هر کس آن کتاب را ببیند متوجه درستی این کلام می‌شود و از نوشتن این کتاب را باید بر اساس بی‌نهایت فیشهایی که تهیه کرده است نوشته باشد. (وفیات الاعیان، ج ۳، ص ۳۱۰).

هرگز بدون یک طرح و هدف مشخص نمی‌توان اثری بدیع و شاهکاری علمی و فرهنگی پدید آورد. و همیشه انسانهای موفق از همان ابتدای عمر خود برنامه‌ای برای آینده ترسیم کرده و به مطالعه و درس و بحث و خرید کتاب و فیش برداری خود جهت مشخصی داده و از سردرگمی و ندانم‌کاری و تشتت و پراکنده‌کاری که امروز حلق آویز بسیاری از طلاب شده است خود را نجات داده‌اند. و ابن عساکر وظیفه خود را خوب تشخیص داده بود و می‌دانست چه باید بکند و تا آخر عمر به دنبال تحقق بخشیدن مقصود خود بود. و در نتیجه چنین اثر بزرگی را به جای گذارد.

تاریخ دمشق یک گزارش تاریخی مفصل و جامع است، نه تحلیل تاریخی. زیرا ابن عساکر تاریخ را همچون حدیث با سلسله سند کامل و با اشاره به صحیح یا ضعیف بودن سند حدیث نقل می‌کند و لذا هیچوقت قضاوتی را به خواننده تحمیل نمی‌کند، بلکه مطالعه‌کننده آن خود باید با استقلال رأی به تجزیه و تحلیل و ارتباط و پیوند احادیث آن اقدام کند.

تاریخ دمشق دو بخش اصلی دارد: اول به آغاز تاریخ و هجرت نبوی-صلی‌الله‌علیه‌وآله- و اشتقاق نام ایام و ماهها، توضیح نام دمشق، فضائل مردم و وضعیت جغرافیایی آن سرزمین و احادیث مربوط به دمشق و مساجد دمشق اختصاص دارد. در بخش دوم به شرح حال افرادی که ساکن دمشق بوده و یا گذری بر آن داشته‌اند پرداخته است و به جهت تبرک با نام «احمد صلی‌الله‌علیه‌وآله» شروع نموده است.

تاریخ دمشق گرچه از دقیقترین و مفصلترین کتابهای تاریخی است، اما چند ذیل بر آن نوشته شده است. مانند ذیلی که قاسم، فرزند

اقیمت الصلاة و قد شجر بین الامام و بین بعض الناس، و روشن است که عبارت ابن منظور صحیح است و باید «شجر» را در متن کتاب می آوردند به دلیل آیه شریفه «فلاور بک لایومنون حتی یحکموا فیما شجر بینهم» (النساء: ۶۵) و یا لاقول در پاورقی به آن اشاره می نمودند، در حالی که بدون هیچ اشاره ای از آن گذشته اند.

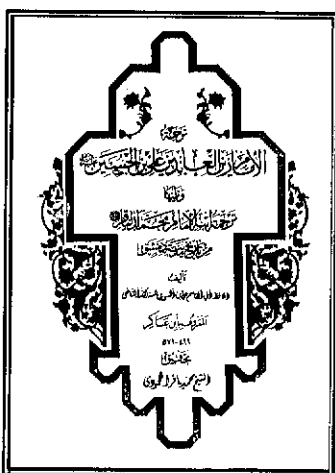
و همچنین برخی از ارجاعاتی که در ص ۴۹۶ ذکر شده است صحیح نمی باشد.

به هر حال در این کتاب احادیث زیادی راجع به امام حسین-ع- نقل شده است. تاریخ ولادت آن حضرت، کنیه، علت نام «حسین»، شباهت به پیامبر، فضائل و مناقب بی شمار آن حضرت، نزول آیه تطهیر درباره اهل بیت، محبت به او، زندگی و سلوک عملی آن امام با مردم و خلفا و مساکین، پیشگوییهای شهادت آن حضرت از پیامبر و امیرالمؤمنین، وقایع روز عاشورا، عذاب قاتلین آن حضرت در دنیا، حوادث پس از شهادت و ... موضوعات این کتاب است.

احمد عابدی

ترجمه الامام زین العابدین

ترجمه الامام زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام من تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر، تحقیق محمدباقر محمودی. چاپ اول: تهران، به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق. ۳۰۷ ص، رحلی.



پس از آنکه محقق سختکوش جناب آقای محمدباقر محمودی ترجمه امام امیرالمؤمنین و امام مجتبی و امام حسین-علیهم السلام- را از تاریخ دمشق تصحیح و منتشر نمودند، به تصحیح قسمت مربوط به حضرت سجاد امام زین العابدین و حضرت باقر علوم النبیین امام محمد باقر-

علیهما السلام- پرداخت و شرح حال این دو امام را تصحیح و در یک مجلد چاپ نموده است.

در تاریخ دمشق ترجمه امام صادق-علیه السلام- وجود ندارد، با

مؤلف، و نیز صدرالدین بکری و عمرین الحاجب نوشته اند. چند نفر نیز به تلخیص آن همت گمارده اند مانند ابن شامه و اسماعیل عدوانی و ابن منظور که مهمترین آنها مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر از ابن منظور است که در سی جلد چاپ شده است. ابن منظور که گرایش شیعی داشته معمولاً هر چه از فضائل اهل بیت-علیهم السلام- در تاریخ دمشق بوده در مختصر خود-که یک چهارم اصل آن است- آورده است. (ر.ک: روضات الجنات، ج ۸، ص ۸۶).

چون عمر یک نفر عادی به تصحیح و چاپ این کتاب بزرگ کفایت نمی کند، جناب آقای محمدباقر محمودی به تصحیح برخی از مجلدات آن اقدام کرده است. ترجمه امام حسین-ع- این کتاب در سال ۱۳۹۸ ق توسط ایشان تصحیح و در بیروت به قطع رحلی بزرگ چاپ شده بود و اینک با تکمیل و بازنگری تصحیح آن و با اضافه نمودن چند فهرست به قطع وزیری چاپ شده است.

در تصحیح مجدد کتاب برخی از تعلیقات چاپ قبلی حذف شده (مانند ص ۱۹). و برخی از پاورقیها به آن افزوده شده است مانند ص ۱۴، سطر ۶-۱۶. در این تصحیح به اختلاف نسخ احادیث کاملاً توجه شده و غالباً احادیث آن با «مختصر تاریخ دمشق» ابن منظور و نسخه علامه امینی-رضوان الله علیه- مقایسه شده و به آن اشاره شده است و این بسیار به ارزش کتاب افزوده است. در آخر چاپ اول فهرستی به نام تعضید العباقر فی ترتیب و تمیز المکتبین من مشایخ ابن عساکر در شانزده صفحه دارد که در آن ۱۲۴ نفر از مشایخ ابن عساکر معرفی شده است، ولی در چاپ جدید فهرست اعلام آن در ۲۱۶ صفحه می باشد. علاوه بر آنکه فهرست آیات، قبائل و اقوام، و اماکن نیز به آن افزوده شده است.

در عین حال کاستیهایی نیز در تصحیح این کتاب وجود دارد، مثلاً در ص ۳۸، حدیث ۳۲ آمده است: «... نعم والله ذکرته تکفیه حین رایته یمشی». ولی در «مختصر تاریخ دمشق» ابن منظور، ج ۱۷، ص ۱۱۷ همین عبارت این گونه است «... نعم والله ذکرته باینه حین رایته یمشی». و نیز در ص ۵۰ کتاب آمده است: «و رایته حسناً و قد اقیمت الصلاة-زادین المقرئ-: و قد. قال- سحر بین الامام و بین بعض الناس». ولی در «مختصر» ابن منظور می گوید: «و رایته حسناً و قد

آنکه طبق مبنای ابن عساکر می‌بایست آن حضرت را نیز ذکر می‌کرد. دقت و وسعت اطلاع ابن عساکر بر احادیث تاریخی همیشه این تأسف را در ذهن انسان می‌آورد که چرا ترجمه امام ششم - علیه السلام - را ننوشته است. و نیز ای کاش سایر ائمه - علیهم السلام - نیز مسافرتی به شام و دمشق می‌داشتند تا ترجمه آنان با همه خصوصیات و ویژگیها در این تاریخ بیاید.

مکارم اخلاق حضرت سجاد به بلندای ابدیت تاریخ بوده و حتی دشمنان آن حضرت چاره‌ای جز اعتراف و تحسین و انگشت شرم به دندان گرفتن نداشتند. هر چند ابن عساکر در این قسمت از کتاب خود روایات فراوانی را نقل کرده که متن آنها شهادت به دروغ و جعلی بودن آنها می‌دهد (ر. ک: به ص ۲۴) و روایاتی را برای تطهیر شجره ملعونه و خبیثه بنی امیه و تکذیب اعتقادات حقّه شیعه نقل نموده که هیچ دانشمندی منصفی حتی احتمال صحت آنها را نمی‌دهد. البته مصحح محترم در پاورقیهای کتاب شهادت بزرگان علم رجال را به دروغگو بودن روایان این احادیث نقل کرده است. اما در عین حال روایات زیادی نیز در فضائل و مناقب، عبادات، صدقات و گریه‌های آن حضرت نقل کرده است. «فضائل و مناقب زین العابدین غیر قابل شمارش است. به عنوان نمونه آن حضرت بسیار به مادر خود نیکی می‌کرد، به طوری که به او گفته شد شما نیکوکارترین مردم به مادر خود هستی. پس چرا با او بر سر یک سفره غذا نمی‌خوری؟ فرمود می‌ترسم دستم به طرف چیزی دراز شود که زودتر نظر مادرم به آن باشد و عاق او گردد». (وفیات الاعیان، ج ۳، ص ۲۶۸).

با آنکه ابن عساکر خود روایاتی را نقل کرده که پیامبر اکرم - صلی الله علیه واله - و بلکه خداوند متعال آن حضرت را به «سیدالعابدین» ملقب نموده است و دعا‌های بی‌شمار آن امام همام بر کسی پوشیده نیست، اما تنها چند دعا که هر کدام از یک سطر تجاوز نمی‌کنند در تاریخ دمشق نقل شده و از این موضوع مهم گذشته است و هیچ اشاره‌ای به «الصحیفه الکامله السجادیه» - که انجیل اهل بیت و زیور آگ محمد علیهم السلام است - ندارد. به هر حال دعا‌های زیادی از آن حضرت در کتابها وجود دارد و شیخ حر عاملی قسمتی از آنها را در صحیفه ثانیه و میرزا عبدالله افندی در صحیفه ثالثة و حاجی نوری در صحیفه رابعه و سید محسن امین در صحیفه خامسه و شیخ محمد صالح مازندرانی حائری در صحیفه سادسه گردآوری نموده اند.

قصیده‌رأیه حضرت سجاد در ۵۴ بیت در تحذیر از دنیا در تاریخ

دمشق و نیز در مختصر تاریخ دمشق نقل شده است که بسیار زیبا و بهترین موعظه برای رهایی از دنیا و وسوسه‌های نفس اماره است. سه بیت آن قصیده چنین است:

تُخَرَّبُ مَا يَيْقِي وَ تَعْمُرُ فَانِيَا
فَلَا ذَاكَ مَوْفُورٍ وَ لَا ذَاكَ عَامِرٍ
وَ هَلْ لَكَ انْ وَا فَاكَ حَتْفُكَ بَغْتَةً
وَ لَمْ تَكْتَسِبْ خَيْرًا لَدَى اللّهِ عَاذِرٍ
أَتَرْضَى بَانَ تَفْنَى الْحَيَاةِ وَ تَنْقُضِي
وَ دِينَكَ مَنَقُوصٍ وَ مَالِكَ وَا فِرٍ

(ترجمه الامام زین العابدین من تاریخ دمشق، ص ۱۰۵ مختصر تاریخ دمشق، ج ۱۷، ص ۲۵۴) ای نفس خراب می‌کنی آنچه را که باقی ماندنی است و آباد می‌کنی آنچه را فانی است. پس نه آن را به دست خواهی آورد و نه این را می‌توان آباد نمای. و چه عذری نزد خداوند داری اگر مرگت ناگهان برسد و خیری را به دست نیاورده باشی؟ آیا دوست داری که عمرت بگذرد و دین خودت را خراب و ثروتت را فراوان نموده باشی؟

مصحح محترم در استخراج احادیث و داستانهایی که ابن عساکر اشاره‌ای بیش به آنها ننموده است رنج فراوانی را متحمل گردیده است. ایشان اصل این کتاب را از نسخه علامه امینی - رضوان الله علیه - استنساخ نموده که شاید دیگر آن نسخه اصل در نجف اشرف وجود نداشته باشد. ضمناً از صفحه ۱۲۱ الی ۱۶۷ کتاب به ترجمه امام باقر - صلوات الله علیه - اختصاص دارد که به تاریخ ولادت و شهادت آن حضرت و نیز ملاقات جابر با آن امام و ابلاغ سلام رسول الله به وی و عبادتها و مواعظ و نصایح آن حضرت پرداخته است.

در پایان کتاب مستدرکات ترجمه امام باقر و سپس فهرست اعلام، اقوام، اماکن و آیات آورده شده است.

ضمناً گاهی اشکالاتی در چاپ کتاب روی آورده است؛ مثلاً در ص ۲۳ آمده است «آخر الجزء الثالث و الثمانين بعد الاربع من الفرع» و صحیح آن است که «الاربعمائة» باشد. همان گونه که در ص ۹۳ آمده است: «آخر الجزء الرابع و الثمانين بعد الاربعمئة من الفرع».

با دقت شمرده اند، و طرق مختلفی را که شیخ کلینی -ره- برای برخی از احادیث نقل کرده اند جداگانه به حساب آورده اند، که بر روی هم به ۱۵۱۷۶ حدیث رسیده است (مقدمه ترجمه و شرح اصول کافی، ص ۹).

«کافی» از دیرباز مورد توجه و مراجعه عالمان بوده و مستندی ارجمند و کارآمد برای شناخت معارف اسلامی شناخته شده است.

درباره کافی، چگونگی تدوین و حد و حدود اعتبار روایات آن از دیرباز محدثان و محققان سخن بسیار گفته اند که از در نگرستن به آن بررسیها و دیدگاهها به روشنی می توان دریافت که «کافی» از معتمدترین و ارجمندترین و استوارترین مجموعه های حدیثی است. (ر. ک: رجال النجاشی، ص ۲۷۷؛ الفهرست، للشیخ الطوسی؛ رجال بحر العلوم، ج ۳، ص ۳۳۰؛ لؤلؤة البحرين، ص ۲۹۴؛ بحوث فی علم الرجال، ص ۱۷۶؛ دراسات عن الحدیث و المحدثین، ص ۱۶۱ به بعد؛ کلیات فی علم الرجال، ص ۳۵۱؛ دلیل القضاء الشرعی، ج ۳، ص ۱۲۵ و نیز بنگرید به کتاب مورد گفتگو، ص ۱۵۳ به بعد...).

اکنون پژوهشی گسترده و سودمند را در پیش روی داریم که مؤلف در لابه لای صفحات به بررسی، تحلیل و گزارش زندگانی، آثار و مآثر محدث جلیل القدر محمد بن یعقوب کلینی پرداخته و درباره بخش «فروع» کافی به تفصیل بحث کرده است. وی کتاب را در دو باب، شش فصل و یک مقدمه سامان داده است:

باب اول عهده دار بحث از وضع فرهنگی، سیاسی و فکری ری و بغداد است و نیز زندگانی شیخ کلینی در آن دو دیار. این باب در سه فصل تدوین یافته که فصول سه گانه آن دارای مباحثی است. در فصل اول و در ضمن چهار مبحث از حیات فکری در ری، و جریانهای عمده فکری در آن دیار، زمینه ها و عوامل رشد و گسترش اندیشه در ری، وضع سیاسی و حکومتی آن سخن گفته است (۲۳-۴۵) آنگاه به حیات فکری و سیاسی در بغداد پرداخته و از دانشهای رایج در آن عصر بحث کرده و چگونگی فرق مختلف و علوم اسلامی در آن دیار را شناسانده است (۴۶-۶۴). این فصل با همه فشردگی و کوتاهی دارای مطالب مهمی است. مؤلف کوشیده است در پرتو مطالعه ای بسیار گسترده و با استناد به منابع فراوان مسائل یاد شده را تبیین کند و عوامل گسترش دانش در ری و بغداد را بازگوید و نقش این همه را در قوام فکری و شخصیت علمی شیخ کلینی و تدوین کتابش نشان دهد.

در فصل دوم ضمن سه مبحث، از نام، کنیه، تبار، القاب،

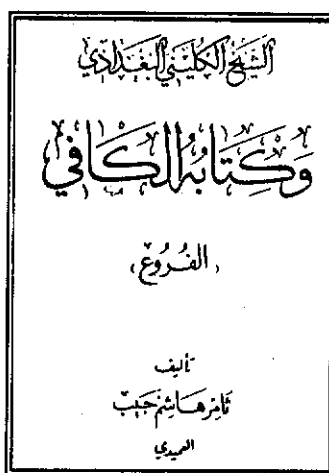
در پایان با دو حدیث شریف از این کتاب سخن خود را به پایان می بریم:

عن علی بن الحسین -علیه السلام- «سادة الناس فی الدنيا الاسخياء و فی الآخرة اهل الدین و اهل الفضل و العلم لان العلماء ورثة الانبياء». (ص ۵۵).

عن عبدالله بن عطاء قال: «ما رأیت العلماء عند احد اصغر علما منهم عند ابي جعفر، لقد رأیت الحکم عنده کانه متعلم». (ص ۱۴۲).
احمد عابدی

الشیخ کلینی البغدادی و کتابه الکافی (الفروع)

نامر هاشم حبیب الممیدی. (قم، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴ق) ۴۹۵ص، وزیری.



«کتاب کافسی ارجمندترین، گرانقدرترین و سودمندترین کتابهای شیعه است.» شیخ مفید (ره) تصحیح الاعتقاد، ص ۵۵. عالم معتمد، محدث موثق، فقیه جلیل القدر، محمد بن یعقوب کلینی، در پی درخواست یکی از برادران دینی و شکایت وی از نبودن کتابی جامع اصول و فروع، کتاب عظیم، و مجموع جلیل و بی مانند «کافی» را پی نهاد.

شیخ کلینی -رضوان الله علیه- برای گردآوری و تدوین آن بیست سال تلاش کرد و هر جا سراغ عالمی از مشایخ حدیث را گرفت بسوی وی شتافت تا حدیثی از وی فرا گیرد. «کافی» مجموعه ای است فراگیر مسائل اصول و فروع و در برگیرنده مسائل اخلاقی، اجتماعی، معیشتی، فرهنگی و ... مجموعه احادیث «کافی» را عالم بزرگوار، مصحح و محقق امین و دقیق متون اسلامی جناب آقای علی اکبر غفاری

زادگاه، رشد و بالندگی علمی و تربیتی، وفات و جایگاه مرقد مطهر آن بزرگوار بحث کرده است. در بحث القاب با دقت تمام از چگونگی القاب و دلالت آنها به زادگاه، دانش، مسکن و صداقت و وثاقت شیخ بحث کرده است. در تاریخ وفات و جایگاه مرقد آن بزرگوار نیز اختلاف است که مؤلف در پرتو نقد و تحلیل گزارشها و نقلها کوشیده است دیدگاهی استوار عرضه کند (۸۶-۶۵).

در فصل سوم و در ضمن چهار مبحث از شخصیت علمی، جایگاه فکری، استادان (۹۵-۸۹). (استادانی که در بخش فروع کافی از آنان روایت نکرده است) شاگردان (۱۱۲-۹۵)، آثار و آثار شیخ (۱۴۰-۱۱۴) سخن رفته است. در این فصل استادان و شاگردان آن بزرگوار به اجمال معرفی شده‌اند.

کتابهای شیخ نیز شناسایی شده و چگونگی محتوای آنها با توجه به برخی از قراین عرضه شده و درباره کافی (بخش اصول و روضه) به تفصیل گفتگو شده است. در بخشی که از کافی سخن رفته است مؤلف با درنگریستن به اظهار نظرهای کوتاه و بلندی که شیخ در آغاز بخشها و با توضیح روایات آورده است ابعاد فکری و گستره دانش شیخ را نمایانده و از شیوه تدوین و تصنیف کافی (به لحاظ سند و متن) به تفصیل بحث کرده است. برخی از عالمان در انتساب بخش روضه کافی به شیخ کلینی تردید کردند، مؤلف با توجه به اسناد روایات و شیوه تدوین و قرائن دیگر به نقد این دیدگاه پرداخته و نشان داده است که این بخش نیز تألیف شیخ است.

در پایان این فصل دیدگاه عالمان و محدثان و محققان را درباره شیخ آورده است که همه و همه نشانگر جایگاه بلند و مکانت عظیم آن بزرگوار در فرهنگ اسلامی است.

باب دوم یکسره درباره کافی و بطور مشخص به گستردگی درباره فروع کافی بحث می‌کند. این باب نیز سه فصل دارد و هر یک از فصول آن دارای مباحثی است:

فصل اول از این باب عهده دار شناسایی کتاب کافی، جایگاه آن میان کتابهای حدیثی، آوازه کتاب در میان عالمان و فقیهان و ارجمندی و الایمی آن در دیدگاه متفکران و محدثان است. وی در این مبحث، افزون بر بحث و بررسی از نام کتاب، انگیزه نگارش و مدت زمانی که مرحوم شیخ در تدوین آن گذرانده است؛ از مخطوطات کتاب سخن گفته و شرحها، تعلیقه‌ها، چاپها و کارهای انجام شده درباره آن را معرفی کرده است. یادآوری کنیم که در میان ترجمه‌های فارسی آن از ترجمه عالم فقید جلیل القدر مرحوم دکتر سیدجواد مصطفوی خراسانی یاد نشده است و

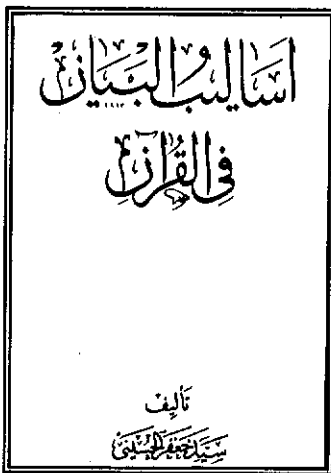
از ترجمه استاد محمدباقر کمره‌ای در ضمن چاپهای کتاب یاد شده است. در ضمن فهرستها نیز از فهرست دقیق و کارآمد مرحوم مصطفوی با عنوان «الهادی الی الفاظ اصول الکافی» که جایگاه احادیث در دو چاپ، یک ترجمه و سر شرح نشان می‌دهد یاد نشده است.

در فصل دوم از این باب از شیوه کلینی در تدوین احادیث فروع کافی؛ به تفصیل سخن رفته است. در مبحث اول این فصل با عنوان «منهجه فی السند و تقویمه» ابتدا سند را تعریف کرده و آنگاه اهمیت آن را بازگفته است و سپس چگونگی اسناد احادیث کتاب را عرضه کرده و شیوه شیخ را در گزارش سند، اختصار سند، و چگونگی استخدام روشهای گونه‌گون را در عرضه سند یاد کرده است (۲۱۸-۱۸۱).

مؤلف در این مبحث با توجه و دقت در چگونگی سند و تبیین و توضیحات کلینی از روایان، القاب، شغلها و مکانت‌های آنها و دیگر مسائل مربوط به شناخت دقیق اشخاص نشان داده است که کلینی در چه مرتبه‌ای از شناخت حدیث و آگاهی از رجال و احوال آنها بوده است. توجه به این نکات و ژرف بینشهای شیخ در شناخت روایان نشان می‌دهد که جستجوگران معارف اسلامی با فقدان کتاب رجال کلینی چه مایه از آگاهیهای سودمند و کارآمد را در شناخت اسناد احادیث از دست داده‌اند. در مبحث دوم این فصل از شیوه شیخ در عرضه متن و استوارسازی و توضیح و تبیین آن بحث کرده است. چگونگی عرضه احادیث آمیخته به آیات در آغاز این بحث آمده و آنگاه گزارش دقیق، توضیحا، تبیین‌ها و تحلیلهای کلینی است (اجتهادات شخصی او و یا نقلهایش از محدثان و روایان) درباره متن احادیث، تعارض نقلها، چگونگی روایات مخالف اجماع و... این گزارشها بخوبی نشانگر عظمت علمی کلینی و شناخت عظیم و استوار آن بزرگوار است از احادیث.

فصل سوم این باب عهده دار نشان دادن موارد نقل کلینی از روایان است. مؤلف این بخش را در زیر سه عنوان آورده است: (۱) نقل شیخ از غیر «عده»؛ در ذیل این عنوان ۹۳ نفر به اجمال معرفی شده‌اند که شیخ مستقیم و غیر مستقیم از آنان روایت نقل کرده است. (۲) نقل شیخ از «عده»؛ در ذیل این عنوان در دو بخش عده‌ای که افراد آن معلوم است و عده‌ای که افراد آن معلوم نیست موارد نقل را گزارش کرده است.

قرآن کریم در سنج بلاغت، قله فصاحت، اوج جزالت بیان و سلاست تعبیر است، که چون خورشید تابناک سپیدی آفرین آن در آسمان جزیره العرب طلوع کرد. در روزگاری که در آن دیار، مردمان در اوج بلاغت بودند و به گفته «جاحظ»: «سخن و سخنوری و زیبا گفتن و



استوار بیان کردن تمام همت، زندگی و تفاخر آنان را تشکیل می داد. همگان را در برابر خویش به اعتراف و خضوع واداشت. در آوردگامی که قرآن همآورد طلبید دهها تن از ادیبان، شاعران، سخنوران که میدان دار صحنه گسترده بلاغت و فصاحت آن روزگار بودند، زمینه توان نمایی و

عرضه سخن داشتند. اما همگان در برابر بلندای بلاغت قرآن خیره گشتند و به همانند ناپذیری آن خستو شدند و بدین سان قرآن بر معبر تاریخ بی همتا در بلاغت و فصاحت چونان مشعلی فروزان جاودانه ماند و راهیان مقصود والا و مقصد اعلی را راه نمود و هدایت کرد. این جلوه زیبای قرآن همواره مورد توجه عالمان، ادیبان و قرآن پژوهان بوده است؛ از این روی از آخرین سالهای قرن سوم که آثاری در جهت بازشناسی وجوه زیبایی سخن و بلاغت قرآن آغاز شد و سپس با عنوان «اعجاز القرآن» در قرنهای واپسین اینگونه آثار بگسترده تاکنون صدها کتاب، و تحقیق را در این باره توان یاد کرد که هر یک از زاویه ای و منظری به زیباییها و عظمتهای بیانی قرآن نگریسته اند. (ر.ک: البرهان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۲۱۸، پانوش. محقق کتاب آثار بسیاری را در این باره فهرست کرده است، رساله القرآن، شماره ۲، ص ۱۸۲).

از جمله جدیدترین آثار در این زمینه کتابی است که اینک با نگاهی گذرا به معرفی آن می پردازیم. مؤلف از پس سالها پژوهش و کوشش درباره بلاغت قرآن، آهنگ آن دارد که نتایج تحقیقاتش را در سه مجموعه با عناوین: ۱) اسالیب البیان فی القرآن، ۲) اسالیب المعانی فی القرآن، ۳) اسالیب البدیع فی القرآن، عرضه کند، که اکنون بخش اول آن را پیش روی داریم. مؤلف، کتاب را در پنج باب که هر کدام از آنها دارای فصلی است سامان داده است.

در باب اول، فصاحت را به لحاظ لغت و اصطلاح تبیین کرده است

بیفزاییم که از ویژگیهای اسناد روایات کافی این است که شیخ، برخی از روایات را با این عنوان نقل کرده است: «عدة من اصحابنا عن ...»

برخی از موارد افراد این عده معلوم هستند و مواردی نامعلوم، مؤلف در این بحث، هر دو بخش را گزارش کرده است پس از تبیین و تفصیل موارد نقل و تحلیل چگونگی آن، فهرست تفصیلی موارد، ذیل عناوین یاد شده آورده و روایات نقل شده از آنان را در فروع کافی به دقت نشان داده است.

پایان بخش کتاب با عنوان «الخلاصه» گزارش نتایج بحث و تحقیق مؤلف در این کتاب است و پس از آن فهرست منابع و فهرست تفصیلی موضوعات.

خواننده با نگاهی گذرا به کتاب «الشیخ الكلینی البغدادی و کتابه الكافی» الفروع - که اولین اثر با این تفصیل و دقت درباره کتاب ارجمند و بی مانند «الكافی» است - درمی یابد که با اثری تحقیقی، سودمند و کارآمد رو به روست. مؤلف رنج گرائی را در نگارش و تدوین آن بر خود هموار ساخته است؛ که سعیش مشکور باد. امید است آثاری از این دست درباره دیگر مجموعه های ارجمند حدیثی و محدثان و عالمان نیز سامان یابد، حق عظیم آن قله سانان بر ذمه حوزویان، بدرستی گذارده شود. در پایان این نگاه گذرا یادآوری کنم که بررسی دقیق و نشان دادن مسافرتها کلینی به آبادیها و شهرها برای اخذ حدیث در این بررسی خالی است و نام کتاب گویا «الشیخ الكلینی الرازی» و «الشیخ الكلینی» مناسبتر بود. تا «الشیخ الكلینی البغدادی» چنانکه از شرح وی که با دقت در همین کتاب نیز آمده است شیخ مدت بسیار کوتاهی در بغداد بوده است و این مدت زمان عنوان «بغدادی» بر نمی تابد.

محمدعلی مهدوی راد

اسالیب البیان فی القرآن

سید جعفر الحسینی. (الطبعة الاولى، تهران، مؤسسة الطباعة والنشر، وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۳). ۸۸۸ص، وزیری.

و آنگاه آراء نقّادان و بلیغان را درباره فصاحت آورده و بحث را در این بخش؛ با سه فصل فصاحت کلمه، کلام و متکلم پایان داده است. (۱۱۱-۱۱). آنگاه از معانی لغوی و اصطلاحی بلاغت سخن گفته، و تطوّر معانی بلاغت را در دیدگاه ادیبان و بلیغان از جاحظ تا خطیب قزوینی نمایانده است. و در پایان این باب از ویژگیهای بیانی و اعجاز قرآن سخن به میان آورده که بحثی است خواندنی و ارجمند.

آنگاه باب دوم آغاز می‌شود در تبیین و توضیح معنای لغوی و اصطلاحی (بیان) (۱۹۴ و ۱۹۳) و سیر تطوّر آن تا زمان سکاکی و تسلط دیدگاه وی بر بلیغان و ادیبان و ... (۱۹۹-۱۹۷) سپس از شیوه‌های (بیان) سخن رفته است که با بحث از تشبیه آغاز می‌شود و با گفتگو از کنایه و چگونگیهای آن تمام می‌شود. تشبیه در لغت (۲۰۵) و اصطلاح و تطوّر معنای آن (۲۰۶-۲۴۱) گزارش دقیق ارکان تشبیه (۲۴۲) و بحث از انواع آن (۲۵۱) و اقسامش (۲۶۷) و گونه‌های مختلف تشبیه و شناسایی دقیق آنها و تفاوتها مصادیق تشبیه با هم (۳۰۴-۳۲۹) از مباحث بعدی کتاب است که یکسر با توجه به دیدگاه عالمان بلاغت و در پرتو مثالهای روشنگر قرآن و روایی عرضه شده است.

باب سوم کتاب، عهده دار بحث از مجاز است و تبیین ابعاد آن در پرتو آیات و نمونه‌های قرآنی و روایی آن. در این بخش ابتدا حقیقت و مجاز به لحاظ لغت و اصطلاح معنا شده است (۳۸۳-۳۷۳) و با توجه دادن به چرایی استعمال عرب مجاز را (۳۸۹) بحث درباره انواع مجاز ادامه یافته است. بحث از علاقه در مجاز مرسل، که یکسر با توجه به مثالهای قرآنی عرضه شده است، مبحثی است خواندنی که با یادکرد هیچ‌یکه علاقه، تبیین شده است. پس از مباحث جمع بندی شده مجاز عقلی تبیین و توضیح شده است پایان بخش این بحث، توارد عناوین استعاره و مجاز مرسل است؛ بدین معنی که ممکن است آیه‌ای با یک نگاه مصداق استعاره باشد و با نگاهی دیگر مصداق مجاز مرسل.

باب چهارم یکسر به استعاره پرداخته است. که با تبیین معانی لغوی و اصطلاحی آن (۴۶۱-۴۵۹) آغاز می‌شود و با بحثی دقیق و سودمند در تاریخ تطوّر واژه استعاره در نگاه ادیبان و عالمان بلاغت از جاحظ تا ابن اثیر ادامه می‌یابد (۵۱۳-۴۶۱). پیوند بین تشبیه و استعاره اقسام استعاره (۶۲۹-۵۲۵) از مباحث بعدی کتاب است. در پایان این باب و ذیل عنوان «الاستعاره التمثیلیه»، از مثل و مثال و اهمیت آن در سخنوری بحث شده و نمونه‌های مثل قرآنی بیان گردیده است. این باب از کتاب از دقت‌های شایان توجهی برخوردار است. مؤلف کوشیده تا در پرتو

آگاهیهای دقیق آمیختگی برخی از عناوین بلاغی را در آثار عالمان بزرگ بلاغت شناسایی کند و بر آن تنبّه دهد (۵۱۱) و از در هم ریختگی بحثها جلوگیری کند.

آخرین باب کتاب ویژه تبیین و توضیح ابعاد «کنایه» است. که در آغاز از معانی لغوی و اصطلاحی آن سخن رفته و آنگاه تطوّر معنای «کنایه» به تفصیل نقد و بررسی شده است (۷۲۷-۶۹۰) کنایه از صفت، موصوف و نسبت مباحث بعدی این بخش است (۷۴۴-۷۲۸) و بالاخره با اقسام کنایه این بحث پایان یافته است.

پایان بخش کتاب بحثی است با عنوان «علم الاسالیب و الدراسات البلاغیه» که در ضمن آن مقارنه‌ای است بین بلاغت و تعبیر جدیدی که ادیبان عرب از آن به «علم الاسلوب» یاد می‌کنند. مؤلف ضمن توضیح و تفسیر این عنوان و تفاوت آن با بلاغت شیوه‌های علمی، ادبی، علمی ادبی و خطابی را در بیان مطالب و تبیین مباحث شناسانده است.

پایان بخش کتاب، فهرستهای فنی آن است. فهرست مصادر و مراجع، آیات قرآن، احادیث نبوی، و برگرفته‌هایی از نهج البلاغه، اشعار و بالاخره فهرست موضوعات کتاب.

در کتاب اسالیب البیان بر روی هم، ۵۷۲ آیه (که برخی چند بار و از چند منظر مورد گفتگو قرار گرفته‌اند) ۱۱۶ حدیث نبوی و ۱۴۱ سخن از نهج البلاغه تفسیر ادبی و بلاغی شده است. در پایان این نگاه گذرا و دست‌مریزاد به مؤلف که اثری ارجمند در آستانه قرآن سامان داده‌اند؛ باید یاد کنیم که کتاب متأسفانه از اغلاط مطبعی خالی نیست؛ افزون بر این گاهی حدیثی آمده و منبع آن یاد نشده است (ص ۲۰۰) و دیگر گاه اشعار بدون مصدر و مرجع رها شده‌اند (ص ۲۰۲). پایان بخش کتاب «الباب السادس، الکنایه» است اما از «الباب الخامس» خبری نیست. چنان‌که در ضمن این سیر اجمالی روشن شد، گستردگی شواهد قرآنی، توجه دقیق به سیر تطوّر مباحث بیان استوار و استناد دقیق به منابع و مصادر معتمد از جمله برجستگیهای این اثر است. برای مؤلف توفیق سامان دادن دو بخش دیگر این مجموعه را از خداوند خواستارم.

محمدعلی مهدوی راد

عنایت مسلمانان به کتابت و پدید آوردن آثار کتبی، موجب عنایت به هنرهایی چون خوشنویسی، کتاب آرایی، صحافی، مرکب سازی و تطهیر آنها گردید و در این هنرها نیز آثاری پدید آمد که کارآمد است و گرانسنگ. «کتاب آرایی در تمدن اسلامی» عنوان کتابی است در همین زمینه و شامل بیست و هشت رساله در باب کتاب آرایی در تمدن گذشته اسلامی است. عناوین رساله ها و نام نویسندگان آنها به ترتیب زیر است: معرفة اصول الخط از محمد راوندی؛ آداب الخط از عبدالله صیرفی؛ فن خط از شمس الدین محمد آملی؛ جوهریه از سیمی نیشابوری؛ در بیان کاغذ، مرکب و حل الوان از نویسنده ای نامعلوم؛ صراط السطور از سلطان علی مشهدی؛ مداد الخطوط از میرعلی هروی؛ اصول و قاعد خطوط سته از فتح الله سیزواری؛ آداب المشق از بابا شاه اصفهانی؛ رسم الخطی از مجنون رفیقی هروی؛ سواد الخط از مجنون رفیقی هروی؛ آداب المشق از مجنون رفیق هروی؛ گلزار صفا از صیرفی؛ دیباچه از دوست محمد گواشانی؛ دیباچه از قطب الدین محمد قصه خوان؛ قوانین الخطوط از محمود بن محمد؛ خط و و مرکب از حسین عقیلی رستمدراری؛ قانون الصور از صادق بیک افشار؛ فوائد الخطوط از محمد بخاری؛ رساله صحافی از سید یوسف حسین؛ حلیه الکتاب از نویسنده ای نامعلوم؛ رساله در بیان طریقه ساختن مرکب الوان از نویسنده ای نامعلوم؛ رساله در بیان رنگ کردن کاغذ از نویسنده ای نامعلوم؛ رساله طلا و نقره و حل کردن آنها از نویسنده ای نامعلوم؛ رساله در بیان خط و مرکب و کاغذ از نویسنده ای نامعلوم؛ احیاء الخط از زین العابدین خوی؛ مرکب سازی و جلدسازی از علی حسینی.

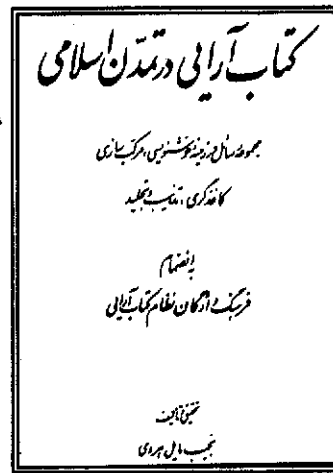
بیشترین رسائل و دفاتری که در این کتاب گرد آمده از رساله های اصیل، فنی و تخصصی در باب کتابت و کتاب آرایی است و برخی از آنها شامل فصلی و بابی از یک کتاب است. در مقدمه مفصل کتاب، اجمالی از مطاوی هر رساله معرفی شده و نسخه هایی که از آن در کتابخانه ها موجود است، معرفی گردیده است. پایان بخش کتاب، فرهنگ واژگان نظام کتاب آرایی است که به اهتمام آقای مایل هروی فراهم آورده است و در آن به توصیف واژه های مربوط به رشته کتاب آرایی، اعم از کاغذ و کاغذگری و مرکب سازی و صحافی و تذهیب، پرداخته شده است.

عبدالمحمد نبوی

کتاب آرایی در تمدن اسلامی

نجیب مایل هروی. کتاب آرایی در تمدن اسلام: مجموعه رسائل در زمینه خوشنویسی، مرکب سازی، کاغذگری، تذهیب و تجلید. به انضمام فرهنگ واژگان نظام کتاب آرایی. (مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲). نود و یک+۱۰۴۸ ص.

کتاب در فرهنگ اسلامی از اهمیت بسزائی برخوردار است. در اهمیت آن همان بس که معجزه جاوید رسول خدا (ص) «کتاب» است و نام سوره ای از آن کتاب «قلم» و خداوند به قلم و آنچه رقم می زند سوگند یاد کرده است: ن والقلم و ما یسطرون. در احادیث ائمه طاهرین (ع) نیز به



کتاب و کتابت توصیه های متعددی شده است و از صادق آل محمد (ع) روایت شده است: سیاتی علی الناس زمان لایاتسون الا بکتبهم.

این گونه توصیه ها و تشویقها مسلمانان را بر آن داشت که به خلق آثار کتبی عنایت داشته باشند و در هر سده، هزاران کتاب از خود بر جای گذارند؛ به گونه ای که فهرست کتابهای مسلمانان (چون کشف الظنون، کشف الحُجُب، الذریعه و...) خود کتابخانه ای پربرگ و بار را تشکیل می دهد.

عنایت مسلمانان به خلق آثار کتبی را از این سخن مشهور - که علامه طبرسی در مجمع البیان نقل کرده است - می توان یافت:

قیل ان البیان بیانان: بیان اللسان و بیان البیان و بیان اللسان تدرسه الاعوام و بیان الاقلام باق علی مرّ الايام. این بیان گرانقدر در تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار هم آمده و در تفسیر ابوالفتح رازی نیز آمده است:

گفته اند «بیان» دو است: بیان لسان و بیان بنان. اما بیان لسان منسی می شود به شهور و اعوام، و بیان بنان برای تثبیت اقلام باقی بماند بر لبالی و ایام.